

فرهنگ زبان پهلوی

فرهنگ حقوقی زبان پهلوی

(فارسی میانه)

www.kerman.ac.ir

info@kerman.ac.ir

تلفن: ۰۲۱-۳۵۴۳۵۴ (۰۲۱-۳۵۴۳۵۴)

تلفن: ۰۲۱-۳۵۴۳۵۴ (۰۲۱-۳۵۴۳۵۴)

تلفن: ۰۲۱-۳۵۴۳۵۴ (۰۲۱-۳۵۴۳۵۴)

چاپ اول: ۱۳۸۵
چاپ دوم: ۱۳۸۶
چاپ سوم: ۱۳۸۷
چاپ چهارم: ۱۳۸۸
چاپ پنجم: ۱۳۸۹
چاپ ششم: ۱۳۹۰
چاپ هفتم: ۱۳۹۱
چاپ هشتم: ۱۳۹۲
چاپ نهم: ۱۳۹۳
چاپ دهم: ۱۳۹۴

مجموعه آثار زبان پهلوی

فرهنگ حقوقی زبان پهلوی

فرهنگ لغت زبان پهلوی

فرهنگ دستور زبان پهلوی

فرهنگ تاریخ زبان پهلوی

فرهنگ جغرافیا زبان پهلوی

فرهنگ طب زبان پهلوی

فرهنگ نجوم زبان پهلوی

فرهنگ ریاضیات زبان پهلوی

فرهنگ فلسفه زبان پهلوی

فرهنگ ادبیات زبان پهلوی

ISBN: 978-602-92327-7-3



ناشر آثار زبان‌های خاورمیانه

www.avayekhavar.ir

info@avayekhavar.ir

Mobile & Telegram: (+98) 930 554 0308

Tel: (+98) 21 888 956 21

Fax: (+98) 21 364 264 58

مرکز پخش: تهران، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه فرخی پلاک ۴۱ واحد ۷

فرهنگ حقوقی زبان پهلوی (فارسی میانه)

بر پایه متن پهلوی مادیان هزار دادستان و دیگر متون پهلوی

پهلوی - انگلیسی - فارسی

نویسنده: یدالله منصوری

ناشر: آوای خاور

طراح جلد: مهدی رادمهر

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: نخست

چاپ: روز

قیمت: ۷۰۰۰۰۰ ریال

حق چاپ برای نویسنده محفوظ است.

ISBN: 978-600-95387-7-5

فرهنگ حقوقی زبان پهلوی
(فارسی میانه)

برپایه متن پهلوی مادیان هزاردادستان و دیگر متون پهلوی

پهلوی - انگلیسی - فارسی

دکتر یدالله منصورى

هیأت علمى دانشگاه شهید بهشتى

آواى خاور

۱۳۹۵

سرشناسه: منصورى، يدالله، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پديدآور: فرهنگ حقوقى زبان پهلوى (فارسى ميانه): برپايه متن پهلوى مادايان هزاردادستان و ديگر متون پهلوى، پهلوى- انگليسى- فارسى / يدالله منصورى.

مشخصات نشر: تهران، آواى خاور، ۱۳۹۵ .

مشخصات ظاهرى: ۶۶۸ص.

شابک: 978-600-95387-7-5

وضعيت فهرست نويسى: فپا:

يادداشت: ص.ع. به انگليسى:

Y. Mansouri. A Dictionary of Pahlavi Legal Terms (Based on the
Mādayān ī Hazār Dādestān and other Pahlavi Texts) Pahlavi-
English-Persian

يادداشت: نمايه فارسى، نمايه انگليسى، نمايه پهلوى.

موضوع: حقوق -- واژه‌نامه‌ها -- پهلوى

موضوع: حقوق -- واژه‌نامه‌ها -- انگليسى

موضوع: حقوق -- واژه‌نامه‌ها -- فارسى

موضوع: زبان پهلوى -- واژه‌نامه‌ها -- انگليسى

موضوع: زبان پهلوى -- واژه‌نامه‌ها -- فارسى

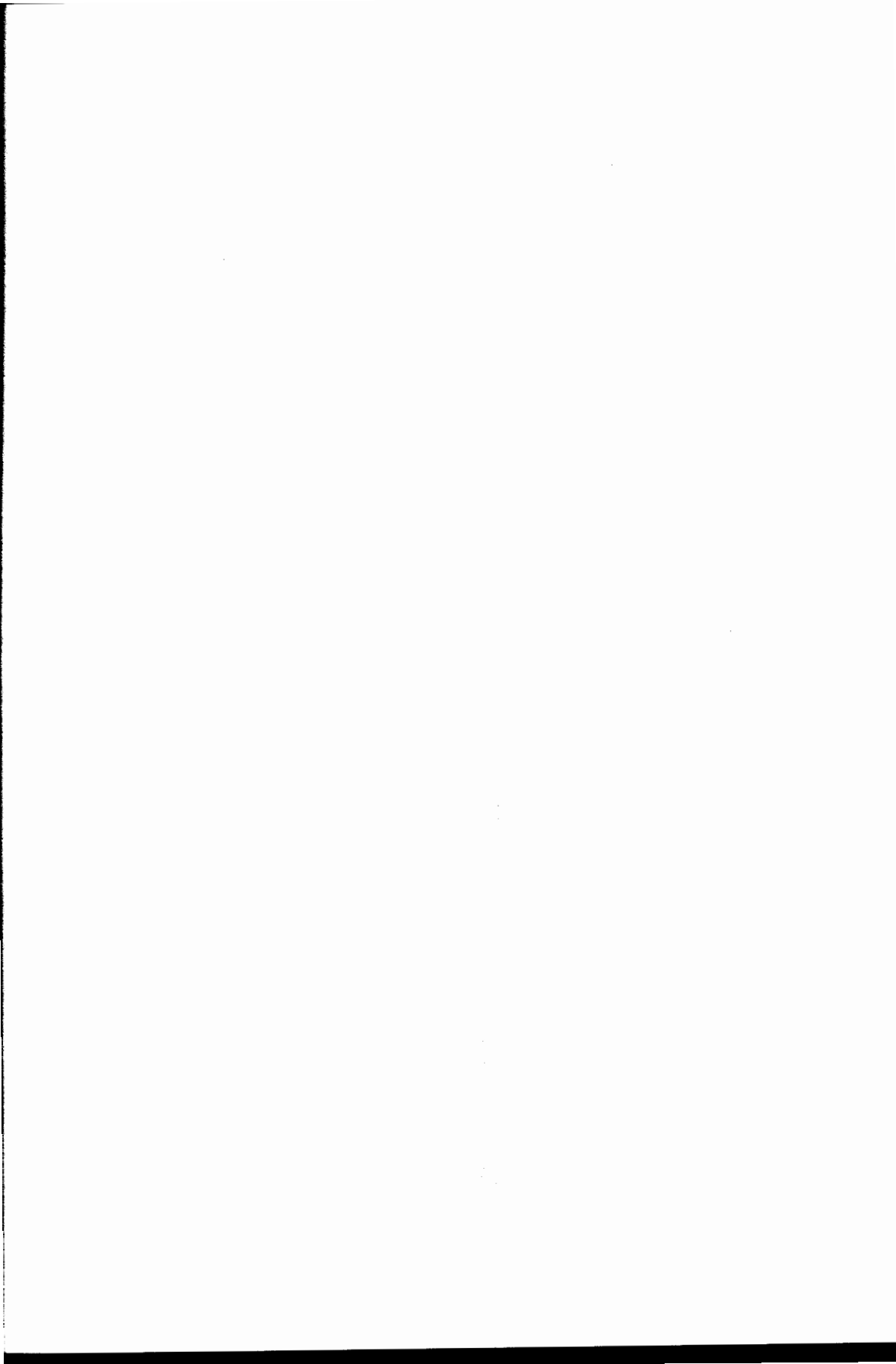
رده‌بندى كنگره: ۱۳۹۵ ۴ف۸م/۵۰K

رده‌بندى ديويى: ۳۴۰/۰۳۸

شماره كتاب‌شناسى ملي: ۴۱۸۰۵۹۸

فهرست

- پیش گفتار - پیشینه پژوهشی..... ٲه
- نیاز و ارزش کار یازده
- روش کار دوازده
- نشانه‌ها شانزده
- کوتاه‌نوشت‌ها (دستوری و جزآن) هفده
- فرهنگ حقوقی : ٲ
- کتابنامه : ٥٥١
- منابع فارسی ٥٥٣
- کوتاه‌نوشت متون پهلوی ٥٥٧
- متون پهلوی ٥٥٩
- کوتاه‌نوشت منابع خارجی..... ٥٦١
- منابع خارجی ٥٦٤
- نمایه واژگان : ٥٧١
- نمایه فارسی ٥٧٣
- نمایه انگلیسی ٦٠٥
- نمایه پهلوی ٦٢١
- پیش گفتار (انگلیسی) ٦٤٦



پیش‌گفتار

متن پهلوی *مادیان هزاردادستان*، شامل دو بخش جداگانه‌ای بوده است. بخش نخست آن مربوط به کتابخانه هاتاریا (بخش بزرگ) به صورت دست‌خط در بمبئی به سال ۱۹۱۲ منتشر شد و بخش دوم آن را، ت. د. انکلساریا پیش از بخش نخست در ۱۹۰۱ به صورت نسخه فراهم آورده بود. دکتر جوانجی جمشید جی مُدی از موبدان دانشمند پارسی هند، بخش نخست متن را به همراه بخش دوم با مقدمه انگلیسی منتشر کرد. او در این مقدمه یادداشت بسیار سودمندی برای نخستین چاپ هر دو نسخه *مادیان هزاردادستان* نگاشت، که از دیدگاه خوانش درست نام‌های خاص در متن پهلوی و روی هم رفته در دریافت مطالب و محتوای دشوارخوان آن بسی کارگر بوده است. جای خوشبختی است که این کار در ایران، توسط بنگاه ترجمه و نشر یا فرانکلین سابق (علمی فرهنگی کنونی) به صورت افست در ۱۹۷۶ (۱۳۵۶) به تعداد ۱۰۰۰ نسخه چاپ گردید.

شایان ذکر است که نخستین بار دارمستر طی سفری به بمبئی به سال ۱۸۸۷ در رساله‌ای با عنوان *مطالعه انتقادی تاریخ ادبیات*^۱ نسخه تهمورث انکلساریا را بررسی

^۱ *Revue Critique d' Histoire è Litterature*

کرده بود. کریستیان بارتلمه در آکادمی علوم هایدلبرگ طی چند مقاله‌ای متن *مادیان هزار دادستان* را بررسی کرد و نخستین مقاله خود را «درباره کتاب قانون (= حقوق) ساسانیان»^۲ تا ۱۹۲۵ (زمان مرگش) منتشر ساخت. هم‌چنین او سخنرانی تحت عنوان «زن در حقوق ساسانی» در جشن برپایی «فرهنگستان علوم هایدلبرگ» به تاریخ ۱۱ ماه مه ۱۹۲۴ برگزار کرد و در همان سال نیز انتشار یافت.^۳

شایان یادآوری است که دکتر سهراب بلسارا، استاد زبان‌های باستانی کالج *الفین سنن*^۴ بمبئی و مدرسه روحانی ملافیروز و مدیر و مدرس مؤسسه الهیات کاما آتورنان، متن کامل *مادیان هزار دادستان* را به شیوه زمان خود آوانویسی و به انگلیسی ترجمه کرد. کار او اگرچه ۱۹۱۴ انجام یافت، اما بنا به برخی دلایل از جمله وقوع جنگ جهانی اول و برخی پیشامدهای دیگر، سرانجام در ۱۹۳۶ چاپ و منتشر شد. ناگفته نماند آوانویسی او اکنون متروک و مطرود است و ترجمه او نیز به صورت آزاد و گاهی پر از دشواری و ابهام است ولی کار وی سبب شد که ایران‌شناسان به این اثر ارزشمند بیشتر توجه کنند. از میان پژوهش‌های ایران‌شناسان (وست و بارتلمه و پالیارو و دیگران) در این زمینه، تاکنون دو ایران‌شناس، کوشش‌های ارزنده‌ای به ثمر رسانیده‌اند. نخستین آن دانشمند روسی ارمنی تبار، خانم اناهیت پریخانیان، این متن پهلوی را آوانویسی و به روسی ترجمه کرده است. کار او در ۱۹۷۳ در مسکو منتشر شد. پژوهنده دیگری به نام خانم نینا گارسوئیان این اثر پریخانیان را به انگلیسی ترجمه و در ۱۹۸۰ (تجدید چاپ ۱۹۹۷) در نیویورک منتشر کرده است. ایران‌پژوه دیگری به نام خانم ماریا ماتسوخ بخشی از آن (= نسخه

^۲ *Über ein Sasanidisches Rechtsbuch*

^۳ 'Die Frau im Sasanidischen Recht', *Kultur u. Sprache* No. 5; Bei Carl Winter Heidelberg 1924.

^۴ Elphinstone College

انکلساریا) را حرف‌نویسی و به زبان آلمانی ترجمه کرده و در ۱۹۸۶ انتشار داده است. هم‌چنین در پژوهش دیگر، ماتسوخ نسخه هاتاریا را که بیشترین بخش متن پهلوی مادیان هزار دادستان را دربردارد، با حرف‌نویسی و ترجمه به زبان آلمانی در ۱۹۹۳ چاپ کرد. این هر دو اثر، کار ارزنده و شایانی است و نگارنده، پژوهش‌های این دو دانشمند را همواره پیش‌رو داشته و از آن بهره برده است. برخی از فصل‌ها و بندهای متن مادیان هزار دادستان، به صورت پراکنده توسط دانشمندان گوناگون به زبان‌های اروپایی بررسی و ترجمه شده است (نک. کتابنامه). پیش از همه این کارها، بجاست که از یک ترجمه بسیار کهن، از طریق یسوع‌بخت مسیحی، به زبان سریانی برای مسیحیان ایران هم یاد کرد.^۵ این ترجمه کمابیش یکی دو سده پس از گردآوری مادیان هزار دادستان انجام یافته و دست‌مایه پژوهش و بررسی دانشمندان شده است.

نیاز و ارزش کار

مادیان هزار دادستان یا به سخنِ امروزی «ماده‌های هزارگانه حقوقی» کهن‌ترین نوشته حقوقی است که از روزگاران ساسانیان بازمانده است. متن آن بسیار پیچیده و دشوار است. چنان که از جستارهای آن برمی‌آید، موضوع آن حقوق خانوادگی و اجتماعی مانند حقوق زنان و کودکان و مردان، ارثیه و قوانین پیوند زناشویی یا ازدواج و طلاق و دیگر مسائل حقوقی مربوط به جامعه ایرانی دوره ساسانی برپایه دین زردشتی است. دست‌نویس این متن، برخلاف بیشتر متون پهلوی که در دوره آغازین اسلامی نوشته شده‌اند، در دوره ساسانی نگاشته شده است. ولی شوربختانه همه این نوشته، به صورت کامل، به دست ما نرسیده است. بخش نخست آن از در

^۵ یسوع‌بخت دانشمند مسیحی، که در نیمه دوم سده هشتم میلادی می‌زیسته است. کار او را ادوارد زاخو در چند

بخش و در چند نوبت، به زبان آلمانی ترجمه کرده است: نک.:

(= فصل) شانزدهم آغاز می‌شود و به در (= فصل) پنجاه و چهارم پایان می‌یابد. این نمایانگر آن است که «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده» است. در میان این دست‌نویس، افتادگی‌ها و ناخوانی‌ها و پراکندگی‌ها دیده می‌شود. با وجود این، بخش بزرگ آن (نسخه هاتاریا)، ۱۱۰ صفحه بزرگ (رحلی) در هر صفحه، ۱۷ سطر متن پهلوی است. بخش کوچک آن (نسخه انکلساریا) ۴۰ صفحه، در هر صفحه ۱۷ سطر متن پهلوی به‌نگارش درآمده است. برپایه گفته‌های دانشمندان، این کتاب گویا در زمان ساسانیان به اندازه یک دانشنامه حقوقی بوده است، اما از این دانشنامه، تنها این دو بخش یادشده برجای مانده است.

خواست آن بود که نگارنده این متن ارزشمند را به فارسی برگرداند. نخست باید واژه‌نامه‌ای برای آن فراهم می‌آمد و در این واژه‌نامه یکایک واژه‌ها بررسی و ارزیابی می‌شد تا پیچیدگی‌ها و دشوارخوانی‌های آن رو نماید و تا اندازه‌ای روشن شود و سپس به ترجمه فارسی آن متن پرداخته شود. هنگامی که واژگان از لابلائی متن برگزیده و برجیده می‌شدند با دو کار یادشده پریخانیان و ماتسوخ سنجیده می‌شدند، به نظر نگارنده رسید بهتر است که همه واژگان حقوقی از لابلائی دیگر متون پهلوی نیز که کمابیش سنخیت و موضوعیتی در حوزه حقوقی دارند، برگزیده و گردآوری شود و در کنار واژگان مادیان هزار دادستان بنشیند و یک فرهنگ موضوعی در این زمینه گردآوری شود و پیش‌روی خوانندگان قرار گیرد و سپس چنان‌چه بخت با نگارنده یار شد به ترجمه فارسی متن مادیان هزار دادستان بپردازد.

روش کار

واژه‌های تخصصی و حقوقی این متن، یک به یک برپایه متن، گزینش شده و با کارهای انجام شده پریخانیان و ماتسوخ سنجیده و به صورت فرهنگ سه‌زبانه پهلوی - انگلیسی - فارسی تنظیم یافته است. سرواژه (= مداخل) آن با بازگشت به

متن، آوانویسی، حرف‌نویسی، تعیین مقوله دستوری، معنی به انگلیسی و معنی و برابر نهاد آن به فارسی گردآوری شده است. هر سرواژه دست‌کم به همراه یک یا چند نمونه و شاهد مثال پهلوی به صورت آوانویسی و ترجمه به فارسی آمده است. در آوردن نمونه‌ها، برای کاهش حجم، گاهی به جمله کوتاه بسنده شده است، مگر در جایی که جملات، بریده و ناتمام می‌ماند و منظور را نمی‌رساند، ناگزیر به آوردن همه عبارات شده‌ایم تا مفهوم کاملی از عبارات به دست آید. در موارد بسیاری نمی‌توان یک جمله کوتاه و شسته و رفته از دل متن بیرون کشید. از این رو است که برخی جملات بریده (ناتمام) هم در زیر سرواژه‌ها آمده‌اند. خواننده پهلوی‌دان با ارجاعی که برای متن داده شده، می‌تواند به خود متن برگردد و مفهوم کاملی از جستار را دریابد.

افزون بر این، واژه‌های حقوقی دیگر متون پهلوی که کمابیش جستارها و فرازهای حقوقی - فقهی دارند در این فرهنگ گردآوری شده‌اند، چون پیمان‌کلخدایی (قباله از دواج)، دادستانی دینی، دینکرد (کتاب پنجم، ششم، هفتم و هشتم^۶)، روایت آذر فرنیغ فرخزادان، روایت امید اشوهیستان، روایت پهلوی، شایست نشایست، نیرنگستان، وندیداد پهلوی (زند)، هیریدستان و جز آن (= کمابیش ۴۰ متن دیگر) نیز به همان شیوه گردآوری شده‌اند، تا خوانندگان یک‌جا با واژگان و اصطلاحات حقوقی زبان پهلوی (فارسی میانه) آشنا شوند.

در بخش دیگر این سرواژه‌ها، شرح و گزارش ساخت‌واژه (مورفولوژی) و گزارش ریشه‌شناختی (ایتمولوژیک) تا آن جایی که نیاز بوده است، به صورت کوتاه نگاشته شده است. رویکرد کار ما در این فرهنگ، بیشتر بررسی و پژوهش زبانی و زبان‌شناختی است نه محتوایی، که لازمه آن داشتن مهارت در فقه و حقوق زردشتی

^۶ هفت بخش از دینکرد هشتم، برگردان فشرده نسک‌های حقوقی (دادیگ) لوستاست. بخش‌های نکادم نسک، گنباوردزت یا دنباوردزت (۹)، هوسپارم نسک و سکادم نسک از ارزش حقوقی بیشتری برخوردارند.

است و نگارنده فاقد آن است. در پایان این پژوهش، کتابنامه‌ای فراهم آمده، که این پژوهش از آن‌ها بهره برده است و از آوردن منابعی که از آن به‌رمند نشده‌ایم، خودداری شده است.

سرانجام، یادآوری می‌شود که در نگارش این فرهنگ چند چیز آگاهانه انجام گرفته است که امید است بدان نگرسته شود.

نخست- این که، واژگان برگزیده به‌عنوان سرواژه (مدخل)، آن دسته از واژه‌هایی هستند که در نوشته‌ها و متون حقوقی آمده‌اند، یا به‌منظور مفاهیم حقوقی در متون حقوقی و جزآن به‌کار رفته‌اند.

دوم- این که، کوشش شده است واژگان فقهی که بار معنایی دینی و شرعی دارد، جز اندک موارد ضروری، در این فرهنگ گنجانده نشود.

سوم- این که، برخی واژگان به‌تنهایی جزو واژه حقوقی نیستند، بلکه هنگامی که در بافت نوشته‌های حقوقی نهاده می‌شوند بار معنایی حقوقی به خود می‌گیرند؛ مانند نام‌های خویشاوندی چون «پدر و مادر»، «خواهر و برادر»، «دختر و پسر»، «زن و فرزند» و «همسر و شوهر» و کالای اقتصادی و تجاری چون «دارایی و خواسته (مال و اموال)»، مانند «زمین و ملک و خانه و باغ و آب» و جزآن، که در بافت خرید و فروش و دادوستد، شراکت مالی و بازرگانی، مرده‌ریگ و ارثیه و جز آن، بار معنایی ویژه‌ای پیدا می‌کنند.

چهارم- این که، واژگان دیوانی و اداری، از بالاترین رسته دیوانی تا پایین‌تر آن، چون «شاهنشاه»، «موبدان موبد» و دین‌مردان (روحانیان)، گروه‌ها و برخی نهادها و سازمان‌های وابسته به کشوری و لشگری، مانند گروه‌های چهارگانه (دین‌مردان، سپاهیان، دبیران، پیشه‌وران و کشاورزان) و برخی دیگر کارپردازان و پیشه‌وران دستگاه دیوانی و سازمانی کشور در چرخه دستگاه دادرسی و دادگستری از حقوق و قوانین ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند، از این رو یادآوری آن‌ها بایسته و شایسته می‌نمود.

پنجم - دین‌ها و کیش‌های ایرانی و انیرانی (غیر زردشتی) مانند مانوی، زندیق، ترسایی (مسیحی) و یهودی و همانند آن، وابسته به قوانین ویژه‌ای بودند، تا جایی که در متون یاد شده بود، اگرچه گذرا، به آن‌ها نیز پرداخته شده است. در پایان از آقای پویا شریفانی دانش‌آموخته زبان‌های باستانی برای نگارش نمایه پهلوی به خط پهلوی سپاس‌گزاری می‌کنم. هم‌چنین از جناب آقای سلیمان مختاری مدیر ایران‌دوست نشر آوای خاور برای چاپ و پخش این اثر سپاس‌گزارم.

گروه زبان‌شناسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید بهشتی

یدالله منصورى

Signs:

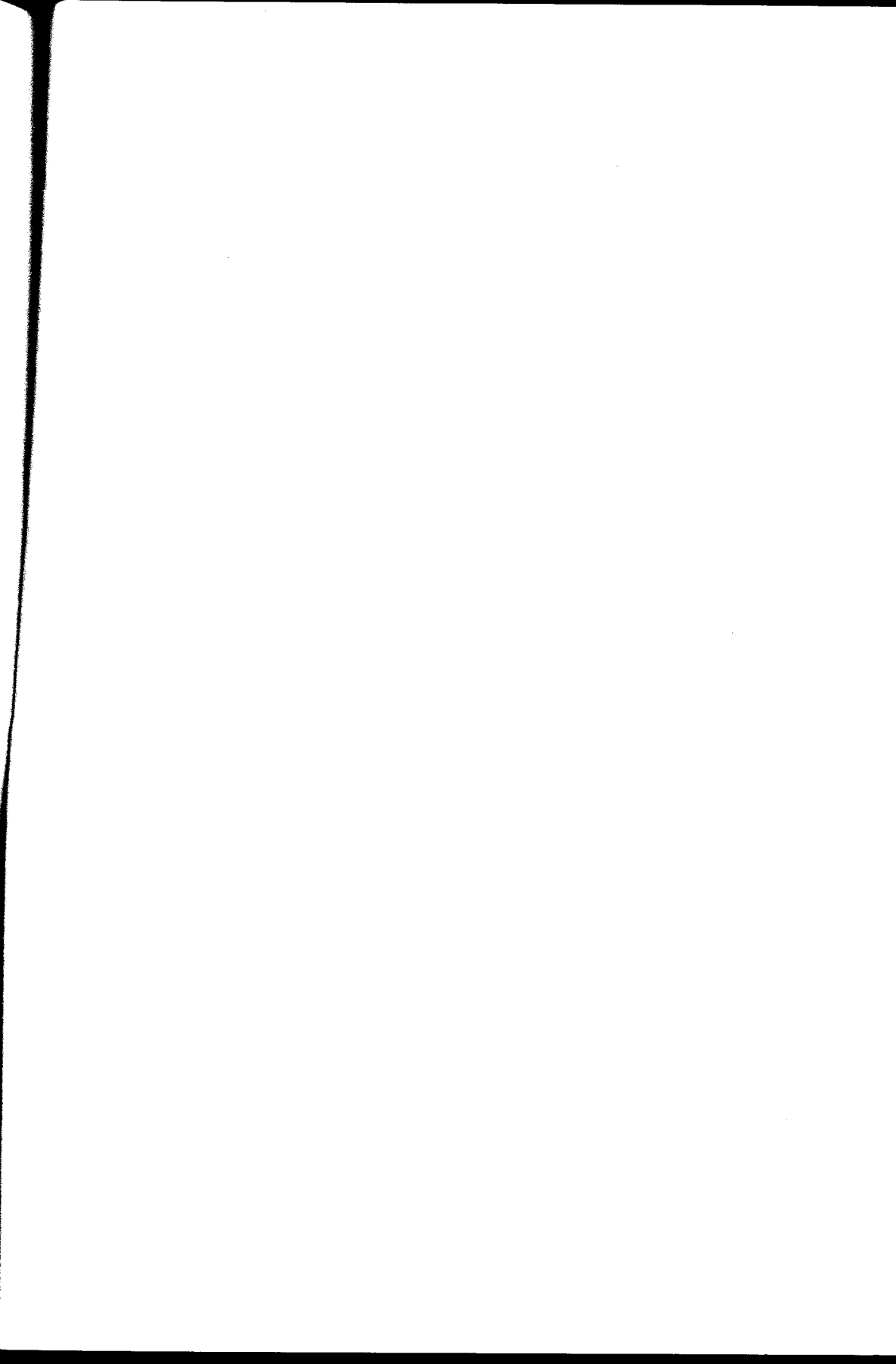
نشانه‌ها:

- [] transliteration representation; (درون آن) نشان‌گر حرف‌نویسی است؛
explanatory comments in the Persian translation: افزوده در ترجمه فارسی
- | separate alternative: گونهٔ دیگر (در حرف‌نویسی سرواژه)
- / both (of them): هر دو باهم، هر دو ریخت (صورت)
- <> words or letters added in text: واژه یا تک‌واژه افزوده در آوانویسی متن پهلوی
- > developed from: برگرفته از (ریشه‌شناسی)
- < developed into: برآمده به، وام‌واژه از (ریشه‌شناسی)
- () words supplied in translation: برای روشنی بیشتر در ترجمهٔ فارسی
- (?) uncertain, questionable: گنگ، نامعلوم، مشکوک
- * reconstructed form: ریخت بازسازی شده، صورت فرضی
- + doubtful transcription: آوانوشت با نویسهٔ نه‌چندان روشن (احتمالی و مشکوک)
- ~ the same as (under the main entry): همان ریخت، همان صورت، ایضاً
- ≈ synonym: هم‌پایه، هم‌معنا، مترادف
- ≠ antonym: در برابر، متضاد
- = is equal: برابر است با (در ترجمه فارسی و جای دیگر)
- § paragraph: بند، پاراگراف
- ← see: نگاه کنید، رجوع کنید.
- see also: هم‌چنین نگاه کنید.

Abbreviations (Grammatical Terms & etc.):

کوتاه‌نوشت‌ها (اصطلاحات دستوری و غیره):

adj. adjective:	صفت
adv. adverb:	قید
ag. n. agent noun:	اسم عامل (= صفت فاعلی)
app. appendix:	پیوست (ضمیمه)
aux. auxiliary:	فعل یار (فعل کمکی)
c. compound:	همکرد (ترکیب)
cf. compare:	سنج، بسنجید
c.n. compound noun:	همکرد نامی (ترکیب اسمی)
col. colophon (lat.):	انجامه (مؤخره)
compar. adj. comparative adjective:	صفت برتر (تفضیلی)
f(f). and the following:	پسین، بعد از (برای ادامهٔ مطالب)
intro. introduction:	درآمد (مقدمه)
ms(s). manuscript(s):	نسخه، نُسخ
n. noun:	نام (اسم)
nec. part. necessitative participle:	صفت الزامی
pers. present:	زمان حال، مضارع
p(p). page(s):	صفحه، صفحات
phras. phrase:	گروه اسمی، عبارت
phrasal vb.:	گروه فعلی
pl. plural:	شمار جمع
super. adj. superlative adjective:	صفت برترین (عالی)
vb. verb:	فعل
vbl. n. verbal noun:	اسم مصدر



فرهنگ حقوقی

(پهلوی - انگلیسی - فارسی)

Dictionary of Legal Terms

(Pahlavi-English-Persian)



[A]

abām [ʔpʔmʔ] n. loan, debt:

وام، بدهی، قرض

ŠLŠ 8.14; [ʔpʔmʔ] *RAFF* 356.66; [ʔpʔmʔ] *Pahl. Vd.* 4.1; *DD* 53.23; *gyāg nibišt kū-mān xwāstag abām stad* <ud> *hampāyandān hēm. MHD* 56.8-9

جایی نوشته شده که: ما خواسته (مال) وام گرفتیم و هم‌پایندان هستیم (به یک‌دیگر ضامن هستیم).

mard pad gyāg pad abām abāz dādan atuwānīg grawgāndār rāh ō xwāstag ī-š pad grawgānīh be padīrift. RAFF 358.68

مرد (وام‌گیرنده) در بازپس دادن به‌جا (به موقع) وام ناتوان باشد، گروگان‌دار راه به خواسته‌ای (مالی)

که به گروگانی پذیرفته دارد (اجازهٔ دخل و تصرف در مال او را دارد).

abām dādan [ʔpʔmʔ YHBWNtnʔ] vb. give a loan:

وام دادن

MHD 2.1

abām hištan [ʔpʔmʔ ŠBKWNtnʔ] vb. discharge from a debt:

از وام آزاد کردن

MHD 2.7

abām stadan [ʔpʔmʔ YNSBWNtnʔ] vb. borrow money:

وام ستاندن، قرض گرفتن

MHD 2.1f.; *MHD* 2.6f.

abām xwāstan [ʔpʔmʔ BʔYHWNstnʔ] vb.:

بازپرداختِ وام را از کسی خواستن

demand the return of a loan or the settlement of a debt: *MHD* 30.2

abām wizārdan [ʔpʔmʔ wcʔltnʔ] vb. pay a loan:

وام گزاردن

MHD 40.11

> ایرانی باستان: *apāmna- برگرفته از *apaya- (گویا ستاک حال) از ریشهٔ ap- «رسیدن، به

دست آوردن» (نک. *Nyberg MP* II 22) و -mna- (پسوند); سنج. سغدی بودایی: / pʔmʔytk /

pāmītē «وام، قرض»; سنج. پهلوی اشکانی: abāmīh «وام، قرض»، پازند: āwām; فارسی: اوام،

وام، فام، پام «قرض، بدهی» (نک. برهان قاطع)، بلوچی (وام‌واژه): wām (> فارسی). (برای دیدگاه

دیگر دربارهٔ ریشهٔ این واژهٔ فارسی میانه، نک. *Bailey DKS* 242). نیز نک.:

Horn GNE 30, *Hübschmann PSt.* 19, 122, 135; *MacKenzie CPD* 1, *Gharib Sogd. Dict.* 6443, *Bailey DKS* 242.

abāmdādār [ʔpʔmdʔtʔl] ag.n. lender:

وام‌دهنده

mērag ī abāmdādār xwāstag wēš pādixšāy xwāstan? *RAFF* 357-8.68

(آیا) مرد وام‌دهنده مُجاز است خواسته (مال) بیشتری را [نسبت به اصل وام] بخواهد؟
برگرفته است از **abām** (نک. هم.) اسم «وام» و **dādār** اسم عامل «دهنده» از مادهٔ ماضی **dād** «داد»
(از مصدر **dādan** (نک. هم.) «دادن») و **-ār** پسوند. این پسوند به گونه‌ای بازماندهٔ پسوند **-tar** ایرانی
باستان است. نک. ابوالقاسمی، دستور تاریخی زبان فارسی، ۳۲۴، بند ۷۷.

abāmdān [ʔpʔmdʔn] n. loan, debt:

وام، بدهی

ka pēšēmāl pad wizīr ī dādwar az abāmdān-ē ēwar brīn wizārdan abāyistan ī
pasēmāl xwāstag rāy kard hunsand. *MHD* 3.3-4

اگر خواهان به رأی داور (خود را) خرسند کند (= شاکی به رأی قاضی تمکین کند)، خوانده (متهم)
بایستی بخشی از وام را به صورت خواسته (= پول) بپردازد.

برگرفته از **abām** (نک. هم.) اسم «وام، قرض» و پسوند **-dān** > ایرانی باستان **-dāna*** (صفت)
«دربرگیرنده»، از ریشهٔ **2dā-** «نهادن». نک. ابوالقاسمی، دستور تاریخی زبان فارسی، ۳۳۱، بند ۱۱۱.

abāmdār [ʔpʔm dʔl] adj. debtor:

وامدار، بدهکار

mērag ī im abāmdār gōwēd kū sōgand xwar kū pid ī tō ēn abām az man be
nē stad. *RAFF* 356.66

مرد (طلب‌کار) این وامدار گوید که سوگند بخور که پدر تو این وام را از من نستد (نگرفت).
برگرفته است از **abām** (نک. هم.) اسم «وام» و پسوند **-dār** > ایرانی باستان **-dāra*** (صفت)
«دارنده»، از ریشهٔ **dar-** «نگه‌داشتن». نیز نک. ابوالقاسمی، دستور تاریخی زبان فارسی، ۳۳۲، بند ۱۱۴.

abāmīhā [ʔpʔmyhʔ] adv. debtfully:

وامدارانه، بدهکارانه

ŠLŠ 8.14; ān ī hamēmālān abāmīhā padiš +ā-š pad tan ī pasēn ahlawdād be
kunēd. *Phl. Riv* 15b2

آن که وام همالان (شریکان) بر (گردن) او باشد آنگاه او در تنِ پسین برایش اهلوداد (خیرات) کند.

یادآوری: دربارهٔ بارِ حقوقی این واژه، نک. Bartholomae zSR I, 40 ff.
برگرفته است از abām (نک. هم.) اسم «وام» و -īhā- پسوند قیدساز (برگرفته است از ایرانی باستان :
-īya-θwa-ā-، نک. و سنج. -īh- در واژه (abōyīh).

abāmōmand ['p' m' wmn' d] adj. deptor: وام‌دار، دارای بدهی

DK8, DKM 767.14, 16, 18; ka abāmōmand widērēd čiyōn ān ī ka waxš andar xwāstag ī kas pad stūtrīh kunēd. DK8, DKM 767.22-768.1

اگر شخص وام‌دار درگذرد، کسی را (برای) سود موجود در خواسته (مال) به ستوری (قیمت) تعیین کند.
برگرفته است از abām (نک. هم.) اسم «وام» و پسوند -ōmand (< فارسی : - مند).

abām-tōzišn ['p' m' twcšn'] c.n. : وام‌توزش، بازپرداختِ وام

the settlement of a debt:

mard abām-tōzišn ī-š pad kasān xwāstag ī-š tā any ēwēnag sahēd ud ēd čē-š handarz ud xwāstag-iz ī-š dastwarz ud tāg ud any ēwēnag dād paymān abar kard ēstēd pad abām-tōzišn ī ō kas ka-š any-iz xwāstag ast xwad u-š xwāstag -dār-iz pādixšāy hēnd ka be nē abesparēnd. MHD 29.12-17

مردی که بازپرداختِ وام در برابرِ کسان (دیگر بر گردن) اوست و (شرایطِ) خواسته‌اش (مالش) تا به گونه‌ای دیگر به نظر آید و برپایهٔ اندرزش (= وصیت‌اش) و نیز خواسته‌ای (مالی) که برای دست‌ورز (افزارکار) و یا اجاره و یا گونهٔ دیگر واگذار شده است، برای بازپرداختِ وام با کسی پیمان کرده باشد، اگر او خواسته (مال) دیگری نیز دارد، خود و خواسته‌دار (وارث) او نیز مُجازند که نسپارند (ندهند).
همکردی است از abām (نک. هم.) اسم «وام» و tōzišn (نک. هم.) اسم مصدر «توزش، پرداخت».
→ xwāstag-tōzišn .

abām-tōzišnīh ['p' m' twcšnyh] n. : وام‌توزی، بازپرداختِ وام (پدر)

the settlement of (father's) debt:

xwāstagdārīh ī pid ōh bawēd u-š abām-tōzišnīh pad and mādag bawēd čand xwāstag dārēd. MHD 61.2-3